

# تریاک: از حمله اعراب تا دوران کنونی

سال گذشته چاپ دوم کتابی تحت عنوان «فرهنگ مواد مخدره» در چند کشور اروپائی منتشر شد که برخی از فصول آن از جمله فصل هنرمندان معتاد بحثهای تند و در عین حال جالبی را برانگیخت. چاپ اول کتاب دو جایزه جهانی را برده بود و چاپ دوم با آمار و ارقام تازه‌ای منتشر شد که شگفتی محافل اقتصادی و اجتماعی اروپا را برانگیخت.

این کتاب توسط دکتر حسن حاج سید جوادی روزنامه‌نگار نویسنده و مترجم با سابقه به فارسی ترجمه شد وی که استاد دانشگاه و عضو گروه پژوهشگران ایران است با مطالعه و بررسی دقیق مدارک و مآخذ معتبر، تحقیق جامع و جالبی راجع به مواد مخدر در ایران انجام داده که بخش‌های عمده آن را ذیلاً مطالعه می‌کنید.

## از دکتر حسن حاج سید جوادی

ایرانیها در زمانهای بسیار دور با مواد مخدر آشنائی داشته‌اند. نخستین ماده مخدری که در اسناد و مدارک مربوط به دوره‌های باستانی از آن نام برده شده بنگ است. در اوستا کتاب مذهبی زرتشت به دفعات لغت بنگ دیده می‌شود. در فصل ۱۵ وندیداد چنین آمده است: «اگر کسی با کنیزکی خردسال یا بزرگسال، خواه نامزد شده یا نامزد نشده، نزدیکی کرد و او را باردار ساخت و به کنیزک گفت: زن پیری پیدا کن و از او چاره پرس؛ پس آن کنیزک زن پیری برای این کار جوید و از او چاره پرسد، این زن پیر از برای او بنگ فرا آورد یا یکی از داروهای زداينده ديگر و گوید: با این، بچه خود تنه کن! پس آن کنیزک با آن بچه خویش بمراند. این چنین در این کردار مرد و کنیزک و پیرزن یکسان در این بزه ورزیده باشند».

در فصل ۱۹ وندیداد نیز آمده است: «تورا است که سروش پاک را بستائی، آن سروش بی‌آلایش که دیو کوننده آن بی‌بنگ بنگی، را برافکند و به خانمان دروغ زنان و دیو پرستان سرنگون کند».

از آنچه نقل شد چنین برمی‌آید که در دوره‌های باستانی بنگ دو گونه مصرف داشته است: یکی مصرف درمانی و دیگر مصرف تخیلی. در مصرف تخیلی بنگ از نظر زرتشت گیاهی اهریمنی بوده

است.

کشورهائی که از قدیم الایام بنگ را می‌شناخته و آن را مصرف می‌کرده‌اند عبارتند از: مصر، تونس، مراکش، الجزایر، عراق، عربستان، فلسطین، ترکیه، یونان، تبت، افغانستان و ایران.

مصرف بنگ و حشیش در ایران عهد صفویه رواج بسیار یافت. برخی از پادشاهان صفوی به خوردن بنگ و حشیش اعتقاد داشتند زیرا در آن زمان هنوز دود کردن مژاسوم نشده بود. برخی از عرفا و شعرا نیز بنگ و حشیش مصرف می‌کردند چنان که عارف نامی قطب الدین علامه شیرازی (متوفی ۷۱۰) پس از ترک اعتقاد گفته است:

یک چند به یاقوت تر آلوده شدیم

یک چند پی زمرد سوده شدیم

آلودگی بود به هر نحو که بود

شستیم به آب تویه آسوده شدیم

منظور شاعر از یاقوت تر شراب است و از زمرد سوده بنگا.

از آثار شعرای ایران، مثنوی مولانا جلال‌الدین مولوی شاید قدیمی‌ترین مأخذی است که در آن از بنگ و حشیش سخن گفته شده است.

## آشنائی ایرانیان با تریاک

پس از بنگ و حشیش ماده مخدری که به ایران راه یافت تریاک و افیون بود. رواج این ماده جادویی رونق بازار چرس و بنگ و حشیش را شکست. استاد پورداد در همین زمینه نوشته است: «اگر افیون نبود بازار بنگ گرم‌تر بود. از روزی که افیون هم‌آورد سهمگین بنگ از جمله خشخاش پدرآمد گروهی از دلدادگان بنگی وارفتگان تریاکي شدند!»

استعمال تریاک در ایران از قرن اول هجری آغاز شد. هنگامی که اعراب در زمان ساسانیان به ایران حمله کردند سپاهیان عرب این زهر مهلک را با خود آوردند. آنها با تریاک آشنائی داشته برای مداوای ناراحتیهای جسمی و رفع خستگی از آن استفاده می‌کردند. ایرانیان نیز خوردن تریاک را از آنها آموختند. دکتر مارتین پرشک و محقق فرانسوی در کتاب «تریاک» می‌نویسد: «مردم چادرنشین که در صحاری گرم و خشک زندگی می‌کردند و در مسافرت‌های طولانی اغلب دچار مشکلات طاقت‌فرسا

بودند ناگزیر برای تسکین دردها و آلام خود به تریاک توسل می‌جستند و حتی شترسواری و مرکوب آنها هم از این محرک بی‌نصیب نمی‌ماند.» در ایران ابوعلی سینا و زکریای رازی نخستین پزشکانی هستند که خواص تریاک را تقریباً به طور کامل بیان کرده و آن را جزو گیاهان و مواد داروئی قرار دادند و برای درمان بعضی از بیماریها آن را تجویز می‌کردند.

## تریاک مسیر تاریخ را عوض می‌کند

استعمال تریاک توسط سلاطین و فرمانروایان بارها مسیر تاریخ را عوض کرده است. در اینجا دو نمونه از وقایع تاریخ ایران را ذکر می‌کنیم. واقعه اول که در چند مآخذ معتبر از جمله تاریخ بیهقی نقل شده چنین است:

امیر مسعود غزنوی در سال ۴۳۱ هجری همراه لشکری گران به قصد جنگ با طغرل سلجوقی از هرات به سوی خراسان حرکت کرد. وی بر این تصمیم بود که راههای فرار را بر طغرل ببندد و او را غافلگیر سازد. شبانگاه سوار بر پیل به راه افتاد؛ چون اندکی تریاک خورده بود بر روی پیل به خواب رفت و پیل‌بانان از بیم امیر پیل را آهسته راندند که وی از خواب بیدار نشود و همین امر موجب تأخیر در رسیدن به مقصد شد؛ چنان که طغرل سلجوقی نجات یافت. وقتی امیر مسعود به روستای استوار در قوچان رسید لحظاتی قبل طغرل آنجا را ترک کرده بود.

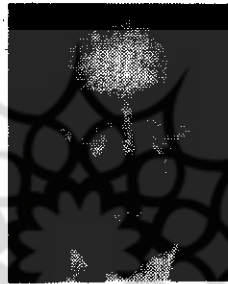
واقعه دیگر مربوط به شاه اسماعیل دوم پادشاه صفوی است. وی مدت کوتاهی پس از جلوس بر تخت سلطنت در عفوان جوانی چشم از جهان پوشید. او پادشاهی عیاش و بی‌بند و بار بود که در خوردن تریاک و مشقات آن اصرار می‌کرد. با افراد بست و حقیر انیس و جلیس بود. در شب سیزدهم رمضان سال ۹۸۵ هجری قمری به اتفاق حسن بیگ حلواچی اوغلی هم صحبت دائمی خود و چند تن دیگر به عزم گردش از قصر شاهی بیرون رفت و تا اواخر شب در کوچه‌ها و محلات شهر به گشت و گذار مشغول بود. در بازگشت، به خانه حسن بیگ حلواچی که متصل به قصر شاهی بود رفت و در همان جا خوابید. میزبان نیز در همان اطاق بیتوته کرد. بامداد اطرافیان هر چه انتظار کشیدند میهمان عالی‌نقام و میزبان از اطاق خارج نشدند. چون انتظار به درازا

کشید ناچار حکیم کوچک را که از مهربان درگاه بود به پشت خوابگاه فرستادند؛ حکیم پشت در به رسم دعا و نیاز تکلم آغاز کرد. حسن بیگ حلواچی فریاد برآورد که ای حکیم مرا یاری حرکت نیست؛ به هر طریق که ممکن باشد در را بگشایید. وقتی در خوابگاه را گشودند شاه اسماعیل که اندک رمقی در تن داشت همان لحظه بدرود حیات گفت و حسن بیگ حلواچی، که نیمی از بدنش فلج شده بود، با لکنت زبان و به صد تشویش ماجرا را چنین شرح داد: شب وقت افطار سلطان ایفون خالص خورد و به من هم داد. بعد از طعام ابراز تمایل به سیر و گشت در کوچه‌ها و محلات شهر نمود و ترکیب ایفون دار خورد، اما آنچه به من داد من نخوردم. هنگام گردش به حمامی رسیدیم؛ حلوا فروشی مقابل حمام نشسته بود. سلطان از حلوا و کلوچه او بسیار تناول کرد. چون به منزل آمدیم گفت صبح نزدیک است، فلونیای دیگر می‌خوریم و می‌خوابیم. وقتی قوطی فلونیای او را که همیشه توسط من مهور می‌شد آوردند علامت مهر مخدوش و ضایع بود. گفتم سر این قوطی به مهر و نشان من نیست، توجهی به سخن من نکرد و فلونیا را بیرون آورده بیش از حد متعارف خود بلعید و مقدار زیادی نیز به من داد اما من اندکی از آن را خوردم. هر دو خوابیدیم. بامداد که از خواب برخاستم خود را به این حال دیدم و شاه نیز قدرت تکلم نداشت و دست و پا می‌زد. بعد از لحظه‌ای تنفس او قطع شد و از حرکت باز ماند.

### پهن کوبیده به جای تنباکو؛

در دوران شاهان صفوی تا اوائل سلطنت شاه عباس خوردن تریاک و مشتقات آن چنان رواج یافت که حتی سربازان جوان نیز بدان مبتلا شدند. توماس هربرت یکی از سفیران اروپائی که در اوائل سلطنت شاه عباس به ایران سفر کرده بود می‌نویسد: «تریاک را که شیوه خشخاش است تقریباً در ایران همه مردم می‌خورند و هیچ کس نیست که آن را مصرف نکند.» شاه عباس که از رواج روز افزون تریاک و تنباکو مخصوصاً از اعتیاد سربازان به شدت بیمناک شده بود مبارزه شدیدی را علیه اعتیاد آغاز کرد. نصرالله فلسفی مورخ معاصر می‌نویسد: «شاه عباس در سالهای اول پادشاهی با دو چیز به دشمنی برخاست: یکی ریش و دیگری تریاک. در سال دهم سلطنت خود فرمان ریش تراشی عام داد و به این حکم چنان به خشونت و سختی اجرا شد که در بسیاری از شهرهای ایران ریش سادات و صلحاً را هم تراشیدند. یک سال پیش از آن یعنی در سال ۱۰۰۵ هجری نیز کارمندان معتاد دربار خود را تصفیه کرده بود.» هنگامی که به شاه عباس خبر رسید غالب

سربازان دچار اعتیاد شده‌اند، دستور داد کلیه کوکنارخانه‌ها در ایران تعطیل شود و نوشیدن آب کوکنار نیز اکیداً ممنوع گردید. جارچیان اعلام کردند که هر کس به نوشیدن آب کوکنار و خوردن تریاک اقدام نماید کشته خواهد شد. پادشاه صفوی برای شروع مبارزه با اعتیاد تنباکو یک روز جمع کثیری از رجال را به دربار دعوت کرد. قبلاً مخفیانه دستور داده بود که تعداد زیادی قلیان آماده کرده به جای توتون پهن اسب را در سر قلیانها بریزند! دستور شاه اجرا شد و قلیانها را به مجلس آوردند. شاه خطاب به حاضران گفت: این توتون را امتحان کنید وزیر همدان آن را برای من فرستاده و مدعی است که بهترین توتون دنیاست! کسانی که به کشیدن قلیان مشغول شدند زبان به تعریف و تمجید تنباکو گشودند و به ذوق وزیر همدان آفرین گفتند! شاه خطاب به قورچی باشی یعنی



قورچی باشی

رئیس قراولان شاهی گفت: من از تو می‌خواهم عقیده خود را با آزادی کامل بگوئی و قورچی باشی گفت: به سر اعلیحضرت این توتون از هزار گل خوشبوتر است! شاه به تحقیر نظری به قورچی باشی افکنده گفت: مرده شوی چیزی را ببرد که آن را نتوان از پهن اسب تشخیص داد. حاضران چنان سرافکنده شدند که توان حرکت از آنها سلب گردید.

چندی بعد، یعنی در سال ۱۰۲۷ هجری قمری سپاهیان ایران خلیل پاشا سردار ترک را شکست داده بر لشکریان عثمانی غلبه یافتند. شاه عباس دستور داد حقوق یک سال سربازان را یکجا بپردازند. پس از پرداخت حقوق به شاه خبر دادند که سربازان تمام موجودی خود را صرف خرید توتون و تنباکو می‌کنند. شاه سخت برآشفته و استعمال دخانیات را در لشکرگاه قدغن کرد. بر طبق فرمان او هر کس مبادرت به کشیدن قلیان یا چپق می‌کرد بینی و لبهای او را می‌بریدند. در همین ایام تاجری که از حکم شاه بی‌خبر بود با چند بار تنباکو به اردوی سلطنتی وارد شد. شاه از ورود تاجر بخت برگشته آگاه شد و فرمان داد او را همراه محمولاتش بر توده هیزمی افکنده آتش زندند! شاید ایران نخستین کشوری بود که چنین مجازاتهای سختی برای تخمین وضع کرد. حدود ۷ سال بعد یعنی در سال ۱۳۰۴ میلادی پاپ اوربن رهبر مسیحیان کشیدند سیگار را تقبیح کرده سیگارکشان را

تکفیر نمود. حدود ۱۰ سال پس از تکفیر پاپ، داد و ستد تنباکو و عرق و آبجو در روسیه ممنوع شد؛ هر کس که از این فرمان سرپیچی می‌کرد و به دود کردن تنباکو و نوشیدن عرق یا آبجو مبادرت می‌ورزید بینی او را می‌بریدند و وی را تازیانه می‌زدند. در سال ۱۰۴۳ هجری قمری مراد چهارم پادشاه عثمانی به فتوای روحانیون اهل تسنن ترک فرمان قتل کسانی را که به دود کردن چپق مبادرت می‌کردند صادر کرد. گماشتگان دربار عثمانی به جانی که بوی تنباکو برمی‌خاست حمله کرده متخلفین از فرمان پادشاه را به قتل می‌رساندند. به طوری که برخی مورخین متذکر شده‌اند هزاران تن در خاک عثمانی بر سر دود جان خود را از دست دادند.

### امیرکبیر و جنگ تریاک

در سال ۱۲۶۷ به دستور امیرکبیر کشت خشخاش در اطراف تهران آغاز شد زیرا وی معتقد بود که از آب و هوای نقاط مختلف ایران باید در کار زراعت حداکثر استفاده را برد و گیاهان پر سود را در زمینهای مساعد پرورش داده به کشورهای خارج صادر کرد. در حقیقت حمایت از اقتصاد ملی محور سیاست صدر اعظم با تدبیر ایران را تشکیل می‌داد. اتفاقاً فکر و اندیشه او به نحو شایسته‌ای جامه عمل پوشید. آزمایش کشت خشخاش صائب بودن اندیشه امیرکبیر را تأیید کرد. محصول بدست آمده بیش از تمام کشورهای مغربی مرفین بود. به همین جهت بسیاری از زمینهای زراعتی مخصوص کشت جو و بقولات به کشت خشخاش اختصاص یافت و تریاک رقم قابل توجهی از صادرات ایران را تشکیل داد.

دولت هند از ورود تریاک ایران به آن کشور معانعت کرد ولی در برابر اقدامات مجدانه صدر اعظم مقتدر ایران تسلیم شد و تریاک از راه هندوستان به بسیاری از کشورهای صادر گردید. نلیگان پزشکی سفارت انگلیس در تهران می‌نویسد از نیمه دوم قرن نوزدهم، حدود سال ۱۸۷۰ میلادی تریاک ایران به عنوان ماده صادراتی بین‌المللی درآمد و کشاورزان به تدریج قسمتی از اراضی گندم و جو را به کشت خشخاش اختصاص دادند.

مقادیر قابل توجهی از محصول تریاک ایران به چین صادر می‌شد. هنگامی که دولت چین از اعتیاد چینی‌ها دچار وحشت شد و ورود تریاک را ممنوع اعلام کرد، صدور تریاک ایران نیز به این کشور متوقف شد. معانعت از ورود تریاک به چین منجر به جنگی شد که متضمن خسارات جانی و مالی زیادی برای مردم چین بود بدین قرار که سودگران بی‌انصاف انگلیسی در برابر تصمیم زمامداران چین مقاومت نشان داده به صدور و تجارت تریاک ادامه دادند.

مسئولان چینی که از بی‌اعتنائی سوداگران انگلیس سخت عصبانی بودند در یک فرصت مناسب بیش از ۲۰۲۰۰ صندوق محتوی ۱/۲۲۷/۰۰۰ کیلوگرم تریاک قاچاق انگلیسی‌ها را به دریا ریختند. عمل چینی‌ها برای دولت مغرور انگلستان قابل تحمل نبود لذا در سال ۱۸۴۰ میلادی به دولت چین اعلان جنگ داد. جنگ مفتضحانه‌ای که در تاریخ به جنگ تریاک معروف است! جنگ با شکست چین پایان یافت و کشور مغلوب مجبور شد مبلغ ۶ میلیون دلار بابت تریاکی که به دریا ریخته شده بود و ۱۵ میلیون دلار به عنوان خسارت جنگ به انگلستان بپردازد، همچنین جزیره هنگ کنگ را به کشور فاتح واگذار کند و چند بندر از بنادر خود را نیز در اختیار آنها قرار داد.

گرچه دولت انگلستان در جنگ پیروز شد ولی حیثیت و اعتبار خود را از دست داده لکه‌نگی در تاریخ به جای گذاشت که هرگز پاک نخواهد شد. در همان زمان، گلدستون نماینده پارلمان انگلستان که بعدها به مقام نخست‌وزیری دست یافت اظهار داشت: «... من در تاریخ کشورمان جنگی به این اندازه ننگین نمی‌شناسم!» چین وقتی متوجه شد که نمی‌تواند از ورود تریاک به کشور جلوگیری کند تصمیم گرفت کشت خشخاش را آزاد سازد.

## ادوارد براون و تریاک کرمان

مستشرقین و نویسندگان غربی در سفر به مشرق زمین از جمله ایران تحت تأثیر تریاک قرار گرفتند. بی‌یرلوتی نویسنده نامدار فرانسه، مؤلف اثر جاودانی «به سوی اصفهان» در مأموریت به خاور دور و سفر به کشورهای خاورمیانه از جمله ایران با مظاهر زندگی شرقی و مواد مخدر آشنا شد. او در سال ۱۸۹۱ به افتخار عضویت آکادمی فرانسه نائل شد. شگفت آن که نه تنها اعتیاد خود را به تریاک مخفی نمی‌کرد بلکه به آن مباحث می‌کرد!

او در همان زمان که افسر نیروی دریایی بود اعتیاد پیدا کرد اما با وجود اعتیاد، در مأموریت‌های خطیر چنان رشادت و شجاعتی از خود نشان می‌داد که فرماندهان سختگیر اعتیاد را بر او خرده نمی‌گرفتند.

یک نویسنده معروف دیگر از هموطنان بی‌یرلوتی به نام «کلودفار» نیز به تریاک معتاد بود. او شباهت عجیبی به بی‌یرلوتی داشت. همچون هموطن نامدار خود افسر نیروی دریایی بود و به پیروی از او نه تنها اعتیاد خود را انکار نمی‌کرد بلکه از تریاک و استعمال آن جانبداری می‌نمود و در مدح و ستایش این سم مهلک داد سخن می‌داد! از سوی دیگر اعتیاد به تریاک شخصیت او را نیز متزلزل نساخته و از کار و کوشش باز نداشته بود. در مأموریت‌های خطرناک چنان جسارت و شجاعتی از خود نشان داده بود که تمام

سینه‌اش به مالدها و نشانهای افتخار مزین بود. در ضمن او را هم مانند بی‌یرلوتی باید یکی از پرکارترین نویسندگان فرانسه به شمار آورد که رمانهای زیادی از خود باقی گذاشت.

داستان آشنا شدن ادوارد براون با تریاک نیز شنیدنی است. این پزشک دانشمند انگلیسی در ردیف بزرگترین مستشرقان و ایران‌شناسان جهان قرار دارد. او زبانهای فارسی، عربی و ترکی را به خوبی می‌دانست؛ به هر سه زبان به خوبی تکلم می‌کرد و با ادبیات این زبانها آشنائی کامل داشت. استاد زبانهای شرقی دانشگاه کمبریج و عضو آکادمی انگلستان بود. یک سال از عمر خود را در ایران گذراند. اولین کسی بود که تاریخ ادبیات ایران را به رشته نگارش کشید. در سفر به کرمان با تریاک آشنا شد. داستان این آشنائی را خود در کتاب «یک سال در میان ایرانیان» چنین بیان



می‌کند:

شبی هنگام مراجعت به باغ محل سکونت خود در کرمان احساس کردم چشم متورم شده و به شدت درد می‌کند. آن شب چند تن از اهالی کرمان میهمان من بودند... هنگامی که معالجه با داروهای سنتی مؤثر واقع نشد یکی از میهمانان به نام استاد اکبر گفت: اگر شما قدری تریاک بکشید من به شما قول می‌دهم که درد چشم شما ساکت شود زیرا تریاک در تخفیف دردها اثر فوق‌العاده‌ای دارد... بعد از قدری تفکر موافقت خود را ابراز کردم و ده دقیقه بعد از کشیدن تریاک دیدم راحتی و آرامش لذت‌بخشی سراسر وجود مرا فرا گرفته و من در عین حال دارای نشسته نشاط آوری شده‌ام؛ کاملاً مختار عقل و ادراک خود هستم یعنی نشسته من مانند نشسته مشروبات الکلی نیست که عقل و ادراک را تغییر بدهد و درد چشم هم تقریباً زائل گردید و آن وقت متوجه شدم چرا ایرانیها این ماده را به نام پادزهر (تریاک) می‌خوانند زیرا هر دردی را تخفیف می‌دهد...

ادوارد براون از آن روز به بعد اسیر تریاک شد اما پس از دو ماه اقامت در کرمان هنگامی که برای عزیمت

به انگلستان آماده می‌شود تصمیم به ترک اعتیاد گرفت و ظاهراً از دام تریاک رهائی یافت. از دوستان ایرانی او نقل شده است که وی پس از بازگشت به انگلستان وسائلی کشیدن تریاک را با خود داشته و از آنها استفاده می‌کرده است اما روشن نیست که وی مرتباً تریاک می‌کشیده یا گهگاه هنگام معاشرت با برخی از دوستان ایرانی به کشیدن تریاک می‌پرداخته است؟

## تریاک در نظم و نثر پارسی

در نظم و نثر پارسی از قرن چهارم هجری به بعد واژه افیون و تریاک را مشاهده می‌کنیم چنان که فرخی شاعر اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم می‌گوید:

**گردان گردند پیش میر به میدان**  
**سست چو مستی که خوره باشد افیون**

و شیخ فریدالدین عطار شاعر قرن ششم هجری می‌فرماید:

**عقل کل در حسن او مدهوش شد**

**کز لبش در باده افیون می‌کند**

از اعتیاد شاعران و نویسندگان ایرانی که قبل از دوران صفویه می‌زیسته‌اند اطلاع درستی در دست نداریم. برخی از شاعران خود به استعمال افیون اشاره کرده‌اند ولی این اشارات دلیلی بر اعتیاد آنها نیست و با استناد به سخن آنان نمی‌توان حتی مصرف گهگاهی تریاک را به آنان نسبت داد به عنوان مثال باید از حافظ نام برد که در یکی از غزلهای خود به نوشیدن شراب مخروج با افیون اشاره می‌کند:

**ساقی اندر قدم‌باز می‌گلگون کرد**

**در می‌کهنه دیرینه ما افیون کرد**

**این قدح هوش مرا جمله به یک بار ببرد**

**این می‌این بار مرا پاک ز خود بیرون کرد**

در زمان صفویه که خوردن مواد مخدر در ایران و به ویژه در دربار رواج داشت تذکره نویسان به اعتیاد شاعران نیز اشاره کرده‌اند به تفصیل فلم‌فرسانی کرده‌اند.

اکثر گویندگانی که در مدح تریاک و یا در ذم آن شعر سروده‌اند خود دچار اعتیاد بوده و با آن انس و الفت داشته‌اند مانند استاد مسرور، ملک الشعراء بهار، مظلوم کرمانشاهی.

ملک الشعراء بهار هنگام اقامت در سویس در غم محروم بودن از بساط مورد علاقه خود قصیده شیوانی سروده که با این دو بیت آغاز می‌شود:

**روزگار آشفتنگی دارد به سر کو همدمی**

**تا ز فیض صحبتش خاطر بیاساید دمی**

**آتش و ابر و دم و دود است پیدا در ارق**

**کو مقامی امن و جانی محرم و دود و دمی**